

بررسی ساخت فعل ماضی در گویش سه‌قلعه و مقایسه آن با فارسی میانه*

عباس ریاحی (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی)

چکیده: گویش سه‌قلعه تنها در یک شهر در استان خراسان جنوبی به نام سه‌قلعه که بخشی از شهرستان سرایان است رواج دارد. از گذشته این گویش سند قابل اتکا و متقنی در دست نیست و گویش کنونی نیز تا اندازه زیادی بر اثر عوامل گوناگون رو به خاموشی گذارده است. این گویش که در گفتار گویشوران آن با لفظ سه‌قلعه یاد می‌شود ویژگی‌های خاصی دارد که در آن منطقه منحصر به فرد بوده و با هیچ گویش دیگری همسان نیست. در پژوهش پیش رو ساختار فعل‌های زمان گذشته توصیف و تجزیه و تحلیل شده است. همچنین وجوه اشتراک و افتراق این گویش با فعل‌های گذشته فارسی میانه بررسی شده است. ساختار فعل ماضی در گویش سه‌قلعه ویژگی‌هایی را نشان می‌دهد که می‌تواند گواه بر وجود ساخت کنایی در گذشته این گویش باشد.

کلیدواژه‌ها: گویش سه‌قلعه، فارسی میانه، فعل ماضی، ساخت کنایی، ضمیر، واژه‌بست

۱. مقدمه

زبان‌ها و گویش‌های گوناگون گنجینه‌های گرانسنگی هستند که نه تنها از دید دانش زبان‌شناسی بسیار ارزنده و مملو از اطلاعات ارزنده و مفیدند بلکه از منظر مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی و تاریخی نیز ارزش بسیار دارند، چراکه هر زبان مجموعه‌ای از عناصری است که مختصات فرهنگی و جامعه‌شناختی یک قوم را به بهترین وجه در خود جای داده است.

استان خراسان جنوبی منطقه‌ای است که در آن لهجه‌ها، گویش‌ها و زبان‌های گوناگونی وجود دارد. تفاوت‌های ساختاری و آوایی بسیار زیاد از جمله ویژگی‌های گویش‌های رایج در این استان است. شهرستان‌های این استان شامل بیرجند، قانات، فردوس، طبس، سراپان، سریش، بشرویه، خوسف، درمیان، نهندان و زیرکوه همگی دارای گویش‌های خاص خود هستند که به نام شهر یا روستای محل کاربرد نامیده می‌شوند. همچنین، در این استان دیگر زبان‌های ایرانی مانند بلوچی و غیرایرانی مانند عربی رواج دارند.

شهرستان سراپان در شمال غربی استان خراسان جنوبی واقع شده است. این شهرستان از شمال و شمال شرق به بخش کاخک شهرستان گناباد (متعلق به استان خراسان رضوی) و بخش نیمبلوک شهرستان قانات، از شرق به بخش سده شهرستان قانات، از جنوب به شهرستان خوسف و از جنوب غربی به بخش دیهوک شهرستان طبس و از شمال غرب به شهرستان فردوس محدود می‌شود. سراپان در ۱۶۰ کیلومتری مرکز استان (شهرستان بیرجند) در دشتی هموار در حاشیه کویر در دامنه جنوب غربی رشته کوه زابری معروف به شتران قرار دارد. این شهرستان در ۵۸ درجه و ۳۱ دقیقه طول شرقی و در ۳۳ درجه و ۵۱ دقیقه عرض شمالی قرار دارد و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۱۴۸۴ متر است. شهرستان سراپان دارای سه مرکز شهری شامل سراپان، سه قلعه و آیسک، دارای ۴ دهستان (آیسک، سه قلعه، دوکوهه و مصعبی)، دو بخش سه قلعه و آیسک و همچنین دارای ۷۱ روستای دارای سکنه و ۴۴۶ پارچه آبادی است که دارای ۱۵ دهیاری فعال است. این شهرستان وسعتی نزدیک به ۹۳۳۴ کیلومتر مربع دارد. شهر سه قلعه که از لحاظ تقسیمات کشوری بخشی از شهرستان سراپان

است که در ۱۴ کیلومتری جنوب غرب سرایان قرار گرفته است. سه قلعه در حاشیه کویر واقع شده و ۴۴۳۶ نفر جمعیت دارد.^۱ نام آن به دلیل وجود سه قلعه اصلی در این منطقه در روزگاران گذشته بر روی آن گذاشته شده است.

در میان آبادی‌های خراسان جنوبی تنها در سه قلعه به این گویش خاص تکلم می‌کنند. سه قلعه به علت ویژگی‌های خاص خود به ویژه در زمینه مطابقه و نظام فعلی یک جزیره زبانی است، چنان‌که هیچ‌یک از گویش‌های شهرها و روستاهای دور و نزدیک به آن در حال حاضر چنین ویژگی‌هایی ندارد. گویش سه قلعه نیز مانند هر گویش و زبان دیگری از گزند و تازش فناوری‌های نوین، تأثیر زبان معیار، مهاجرت و سایر عوامل زیان‌بخش در امان نمانده و شمار گویشوران خود را به ویژه در میان جوانان از دست داده و به تندی به زبان معیار نزدیک می‌شود.

درباره گویش سه قلعه تا آنجایی که این پژوهشگر آگاهی دارد تاکنون کاری انجام نشده است و پژوهش حاضر - که امیدوار است بخشی از یک پژوهش بزرگ‌تر باشد - نخستین گام در این زمینه است. کارهایی هرچند اندک ولی ارزشمند پیرامون گویش‌های دیگر در استان خراسان جنوبی پیش از این به چاپ رسیده است که از آن جمله می‌توان به کتابی در مورد گویش بیرجند تألیف رضایی (۱۳۷۷) و گویش قاین از زمردیان (۱۳۶۸) اشاره کرد. به هر روی جای کارهای پژوهشی بر روی دیگر گویش‌ها و زبان‌های استان همچنان خالی است.

در این پژوهش تلاش بر این است تا با استفاده از آثار موجود و نظریات زبان‌شناسان برخی ویژگی‌های نظام فعل در گویش سه قلعه بررسی شود. این بررسی‌ها که تاکنون نادیده گرفته شده می‌تواند دریچه‌ای به سوی بررسی دقیق‌تر رده‌شناسانه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی بگشاید و به ویژه نگاهی دقیق‌تر به گذار از ساخت کُنایی فارسی میانه به فارسی نو و گویش‌های آن بیندازد. در این پژوهش عزم بر آن است تا برای نخستین بار نگاهی دقیق‌تر به ساختار گویش سه قلعه انداخته شود و ویژگی‌های آن زیر ذره‌بین زبان‌شناسانه قرار گیرد.

۲. فعل ماضی در گویش سه‌قلعه

فعل ماضی در گویش سه‌قلعه انواع گوناگون دارد و شمار آن از انواع معادلش در فارسی رسمی بیشتر است. در ساخت انواع فعل ماضی، نقش اصلی بر عهده ماده ماضی و ضمیرهایی است که به صورت واژه‌بست به کار می‌روند. شخص و شمار فعل - برخلاف مضارع - با استفاده از شناسه یا اجزایی بر روی فعل بازنمایی نمی‌شود بلکه این نقش را ضمائر شش‌گانه یادشده بازی می‌کنند و در این زمینه میان فعل لازم و متعدی جدایی نیست و صرف هر دو مانند هم است. این ضمیرهای واژه‌بستی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ضمیرهای واژه‌بستی گویش سه‌قلعه

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ	et	om	مفرد
ʃæ	tæ	mæ	جمع

۱.۲. ماضی ساده

فعل ماضی ساده به وسیله ضمیرهای شش‌گانه و در برخی فعل‌ها با افزودن -be یا -bo به بن ماضی و در برخی دیگر بدون افزودن این پیشوند ساخته می‌شود. تصریف فعل لازم رفتن در مثال ۱ آمده است.

مثال ۱:

om=bera vær sorɑ.	به خانه رفتم.
et=bera vær sorɑ.	به خانه رفتی.
eʃ=bera vær sorɑ.	به خانه رفت.
mæ=bera vær sorɑ.	به خانه رفتیم.
tæ=bera vær sorɑ.	به خانه رفتید.
ʃæ=bera vær sorɑ.	به خانه رفتند.

تصریف فعل بالا در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. تصریف ماضی ساده فعل رفتن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef=bera	et=bera	om=bera	مفرد
ʃæ=bera	tæ=bera	mæ=bera	جمع

نمونه صرف گذشته ساده برای فعل متعدی دیدن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. تصریف ماضی ساده فعل دیدن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef=di	et=di	om=di	مفرد
ʃæ=di	tæ=di	mæ=di	جمع

در فعل‌های مرکب ضمیرهای واژه‌بستی به اضافه بن گذشته این فعل‌ها ساختمان فعل را تشکیل می‌دهد. تصریف فعل ایستادن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. تصریف ماضی ساده فعل ایستادن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef=vær-pa fo	et=vær-pa fo	om=vær-pa fo	مفرد
ʃæ=vær-pa fo	tæ=vær-pa fo	mæ=vær-pa fo	جمع

تصریف فعل کردن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. تصریف ماضی ساده فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef=ce	et=ce	om=ce	مفرد
ʃæ=ce	tæ=ce	mæ=ce	جمع

۲.۲. نفی ماضی ساده

در ساخت فعل نفی گذشته ساده تنها تکواژ -næ- به آغاز بن ماضی می‌چسبد.

مثال ۲:

om=be-næ-r-a vær sorɑ.	به خانه نرفتم.
et=be-næ-r-a vær sorɑ.	به خانه نرفتی.
eʃ=be-næ-r-a vær sorɑ.	به خانه نرفت.
mæ=be-næ-r-a vær sorɑ.	به خانه نرفتیم.
tæ=be-næ-r-a vær sorɑ.	به خانه نرفتید.
ʃæ=be-næ-r-a vær sorɑ.	به خانه نرفتند.

تصریف فعل مذکور در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. تصریف ماضی ساده منفی فعل رفتن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ=be-næ-r-a	et=be-næ-r-a	om=be-næ-r-a	مفرد
ʃæ=be-næ-r-a	tæ=be-næ-r-a	mæ=be-næ-r-a	جمع

نمونه صرف گذشته ساده از صورت نفی فعل متعددی دیدن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. تصریف ماضی ساده منفی فعل دیدن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ=næ-di	et=næ-di	om=næ-di	مفرد
ʃæ=næ-di	tæ=næ-di	mæ=næ-di	جمع

نمونه صرف گذشته ساده یک فعل مرکب با پیشوند نفی ساز در جدول ۸ آورده شده است.

جدول ۸. تصریف ماضی ساده منفی فعل ایستادن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = værpɑ næ-ʃo	et = værpɑ næ-ʃo	om = værpɑ næ-ʃo	مفرد
ʃæ = værpɑ næ-ʃo	tæ = værpɑ næ-ʃo	mæ = værpɑ næ-ʃo	جمع

نمونه صرف گذشته ساده از صورت نفی فعل کردن در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹. تصریف ماضی ساده منفی فعل کردن

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
om = næ-ce	et = næ-ce	ef = næ-ce	مفرد
mæ = næ-ce	tæ = næ-ce	ʃæ = næ-ce	جمع

۳.۲. ماضی استمراری

فعل ماضی استمراری به کمک ضمیرهای شش گانه و افزودن پیشوند -mæ به بن ماضی ساخته می‌شود. در صرف بین فعل لازم و متعدی تفاوت نیست. نمونه از فعل رفتن در مثال ۳ آمده است.

مثال ۳:

om = næ-ra vær sorɑ.	به خانه می‌رفتم.
et = næ-ra vær sorɑ.	به خانه می‌رفتی.
ef = næ-ra vær sorɑ.	به خانه می‌رفت.
mæ = næ-ra vær sorɑ.	به خانه می‌رفتیم.
tæ = næ-ra vær sorɑ.	به خانه می‌رفتید.
ʃæ = næ-ra vær sorɑ.	به خانه می‌رفتند.

تصریف فعل مثال ۳ در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰. تصریف ماضی استمراری از فعل رفتن

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
om = næ-ra	et = næ-ra	ef = næ-ra	مفرد
mæ = næ-ra	tæ = næ-ra	ʃæ = næ-ra	جمع

تصریف گذشته استمراری فعل کردن در جدول ۱۱ آمده است.

جدول ۱۱. تصریف ماضی استمراری از فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef = mæ-ce	et = mæ-ce	om = mæ-ce	مفرد
ʃæ = mæ-ce	tæ = mæ-ce	mæ = mæ-ce	جمع

در فعل‌های مرکب تکواژ -mæ به آغاز سازه فعلی می‌چسبد و سازه غیرفعلی تغییری نمی‌کند. تصریف فعل غذا خوردن در مثال ۴ آمده است.

مثال ۴:

diruz = om Gæzɑ mæ-xɑ.	دیروز غذا می‌خوردم.
diruz = et Gæzɑ mæ-xɑ.	دیروز غذا می‌خوردی.
diruz = ef Gæzɑ mæ-xɑ.	دیروز غذا می‌خورد.
diruz = mæ Gæzɑ mæ-xɑ.	دیروز غذا می‌خوردیم.
diruz = tæ Gæzɑ mæ-xɑ.	دیروز غذا می‌خوردید.
diruz = ʃæ Gæzɑ mæ-xɑ.	دیروز غذا می‌خوردند.

تصریف فعل مذکور در جدول ۱۲ آمده است.

جدول ۱۲. تصریف ماضی استمراری از فعل غذا خوردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef Gæzɑ mæ-xɑ	et Gæzɑ mæ-xɑ	om Gæzɑ mæ-xɑ	مفرد
ʃæ Gæzɑ mæ-xɑ	tæ Gæzɑ mæ-xɑ	mæ Gæzɑ mæ-xɑ	جمع

می‌توان در چنین فعل‌هایی جای ضمیر عامل را عوض کرد و آن را به سازه غیرفعلی افزود. چنین کاربردی به‌ویژه در سه صیغه جمع، روایی کمتری دارد. تصریف فعل غذا خوردن در مثال ۵ ارائه شده است.

مثال ۵:

diruz Gæzɑ = m mæ-xɑ.	دیروز غذا می‌خوردم.
diruz Gæzɑ = t mæ-xɑ.	دیروز غذا می‌خوردی.

- diruz Gæzα = ʃ mæ-xα. دیروز غذا می‌خورد.
 diruz Gæzα = mæ mæ-xα. دیروز غذا می‌خوردیم.
 diruz Gæzα = tæ mæ-xα. دیروز غذا می‌خوردید.
 diruz Gæzα = ʃæ mæ-xα. دیروز غذا می‌خوردند.

تصریف فعل مذکور در جدول ۱۳ آمده است.

جدول ۱۳. تصریف ماضی استمراری از فعل غذا خوردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
Gæzα = ʃ mæ-xα	Gæzα = t mæ-xα	Gæzα = m mæ-xα	مفرد
Gæzα = ʃæ mæ-xα	Gæzα = tæ mæ-xα	Gæzα = mæ mæ-xα	جمع

۴.۲. نفی ماضی استمراری

برای ساخت فعل نفی ماضی استمراری تکواژ -næ به آغاز صورت مثبت آن افزوده می‌شود. مثال ۶ صرف نمونه‌ای از فعل رفتن را به دست داده است.
 مثال ۶:

- om = be-næ-me-ra vær mædresæ. به مدرسه نمی‌رفتم.
 et = be-næ-me-ra vær mædresæ. به مدرسه نمی‌رفتی.
 eʃ = be-næ-me-ra vær mædresæ. به مدرسه نمی‌رفت.
 mæ = be-næ-me-ra vær mædresæ. به مدرسه نمی‌رفتیم.
 tæ = be-næ-me-ra vær mædresæ. به مدرسه نمی‌رفتید.
 ʃæ = be-næ-me-ra vær mædresæ. به مدرسه نمی‌رفتند.

تصریف فعل مذکور در جدول ۱۴ آمده است.

جدول ۱۴. تصریف ماضی استمراری منفی از فعل رفتن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = be-næ-me-ra	et = be-næ-me-ra	om = be-næ-me-ra	مفرد
ʃæ = be-næ-me-ra	tæ = be-næ-me-ra	mæ = be-næ-me-ra	جمع

تصریف فعل کردن در جدول ۱۵ آمده است.

جدول ۱۵. تصریف ماضی نفی استمراری از فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = (be)-næ-me-ce	et = (be)-næ-me-ce	om = (be)-næ-me-ce	مفرد
ʃæ = (be)-næ-me-ce	tæ = (be)-næ-me-ce	mæ = (be)-næ-me-ce	جمع

در فعل‌های مرکب تکواژ یادشده به آغاز سازه فعلی افزوده می‌شود و فعل نفی ماضی استمراری می‌سازد. نمونه‌ای از صرف فعل غذا خوردن در جدول ۱۶ آمده است.

جدول ۱۶. تصریف ماضی استمراری منفی از فعل غذا خوردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = Gæzɑ næ-mæ-xɑ	et = Gæzɑ næ-mæ-xɑ	om = Gæzɑ næ-mæ-xɑ	مفرد
ʃæ = Gæzɑ næ-mæ-xɑ	tæ = Gæzɑ næ-mæ-xɑ	mæ = Gæzɑ næ-mæ-xɑ	جمع

۵.۲. ماضی نقلی

برای ساخت ماضی نقلی از ضمیرهای واژه‌بستی و صفت فعلی گذشته استفاده می‌شود. برای ساخت صفت فعلی گذشته به ماده گذشته فعل پسوند -æ افزوده می‌شود. نکته در اینجاست که ماده ماضی که برای ساخت صفت فعلی استفاده می‌شود با ماده ماضی که در صرف فعل به کار می‌رود یکی نیست و با هم تفاوت‌های آوایی دارند. ماده گذشته امروزی صورتی است که نسبت به گونه کهن خود سایش آوایی چشم‌گیری داشته ولی برای ساخت صفت فعلی گونه کهن‌تر دوباره پدیدار شده و پسوند یادشده به آن افزوده شده است. برای نمونه بن گذشته برای فعل رفتن ra و در مواردی بسیار اندک raf است، ولی صفت فعلی گذشته آن به صورت ræftæ است. همچنین از دید ظاهری تلفظ این صفت فعلی در بسیاری موارد با مصدر یکی است ولی جدایی معنایی و کاربردی آن دو آشکار است. در مثال ۷ تصریف فعل رفتن آمده است.

مثال ۷:

om = be-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد رفته‌ام.
et = be-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد رفته‌ای.
eʃ = be-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد رفته است.
mæ = be-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد رفته‌ایم.
tæ = be-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد رفته‌اید.
ʃæ = be-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد رفته‌اند.

تصریف فعل مذکور در جدول ۱۷ آمده است.

جدول ۱۷. تصریف ماضی نقلی از فعل رفتن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = be-ræft-æ	et = be-ræft-æ	om = be-ræft-æ	مفرد
ʃæ = be-ræft-æ	tæ = be-ræft-æ	mæ = be-ræft-æ	جمع

تصریف فعل کردن در جدول ۱۸ آمده است.

جدول ۱۸. تصریف ماضی نقلی از فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = cerd-æ	et = cerd-æ	om = cerd-æ	مفرد
ʃæ = cerd-æ	tæ = cerd-æ	mæ = cerd-æ	جمع

نمونه‌ای از صرف فعل مرکب غذا خوردن در جدول ۱۹ ارائه شده است.

جدول ۱۹. تصریف ماضی نقلی از فعل غذا خوردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = Gæzɑ xord-æ	et = Gæzɑ xord-æ	om = Gæzɑ xord-æ	مفرد
ʃæ = Gæzɑ xord-æ	tæ = Gæzɑ xord-æ	mæ = Gæzɑ xord-æ	جمع

۶.۲. نفی ماضی نقلی

برای ساخت فعل نفی ماضی نقلی پیشوند $næ-$ به صفت فعلی گذشته در صرف گونه مثبت آن افزوده می‌شود. در این گونه جدایی بین فعل ساده و مرکب دیده نمی‌شود. در سه جدول زیر صرف دو فعل ساده رفتن (جدول ۲۰) و کردن (جدول ۲۱) و فعل مرکب غذا خوردن (جدول ۲۲) آمده است.

جدول ۲۰. تصریف ماضی نقلی منفی از فعل رفتن

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
om = be-næ-ræft-æ	et = be-næ-ræft-æ	eʃ = be-næ-ræft-æ	مفرد
mæ = be-næ-ræft-æ	tæ = be-næ-ræft-æ	ʃæ = be-næ-ræft-æ	جمع

جدول ۲۱. تصریف ماضی نقلی منفی از فعل کردن

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
om = næ-cerd-æ	et = næ-cerd-æ	eʃ = næ-cerd-æ	مفرد
mæ = næ-cerd-æ	tæ = næ-cerd-æ	ʃæ = næ-cerd-æ	جمع

جدول ۲۲. تصریف ماضی نقلی منفی از فعل غذا خوردن

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
om = Gæzɑ næ-xord-æ	et = Gæzɑ næ-xord-æ	eʃ = Gæzɑ næ-xord-æ	مفرد
mæ = Gæzɑ næ-xord-æ	tæ = Gæzɑ næ-xord-æ	ʃæ = Gæzɑ næ-xord-æ	جمع

۷.۲. ماضی نقلی استمراری

این فعل با افزودن تکواژ $mæ-$ به صفت فعلی گذشته در صیغه‌های ماضی نقلی ساخته می‌شود (می‌توان کاربرد آن را تا اندازه‌ای با ساخت‌های ماضی در فارسی یکسان دانست که با فعل داشتن ساخته می‌شوند و به نام ساخت‌های مستمر خوانده می‌شوند) و بیشتر برای

بازنمایی هم‌زمانی کاری با رویدادی دیگر در گذشته به‌کار می‌رود و اگر رویداد دوم در جمله گفته نشود از بافت دریافت می‌شود یا بیان انجام کاری در زمانی ویژه در گذشته که اکنون مد نظر گوینده و شنونده است. صرف فعل رفتن در مثال ۸ داده شده است.

مثال ۸:

om = mæ-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد می‌رفته‌ام.
et = mæ-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد می‌رفته‌ای.
eʃ = mæ-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد می‌رفته است.
mæ = mæ-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد می‌رفته‌ایم.
tæ = mæ-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد می‌رفته‌اید.
ʃæ = mæ-ræft-æ vær mæʃæd.	به مشهد می‌رفته‌اند.

تصریف فعل مثال ۸ در جدول ۲۳ آمده است.

جدول ۲۳. تصریف ماضی نقلی استمراری از فعل رفتن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = mæ-ræft-æ	et = mæ-ræft-æ	om = mæ-ræft-æ	مفرد
ʃæ = mæ-ræft-æ	tæ = mæ-ræft-æ	mæ = mæ-ræft-æ	جمع

تصریف فعل کردن در جدول ۲۴ آمده است.

جدول ۲۴. تصریف ماضی نقلی استمراری از فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = mæ-cerd-æ	et = mæ-cerd-æ	om = mæ-cerd-æ	مفرد
ʃæ = mæ-cerd-æ	tæ = mæ-cerd-æ	mæ = mæ-cerd-æ	جمع

نمونه‌ای از صرف فعل مرگب غذا خوردن در جدول ۲۵ ارائه می‌شود.

جدول ۲۵. تصریف ماضی نقلی استمراری از فعل غذا خوردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef=Gæza mæ-xord-æ	et=Gæza mæ-xord-æ	om=Gæza mæ-xord-æ	مفرد
ʃæ=Gæza mæ-xordæ	tæ=Gæza mæ-xord-æ	mæ=Gæza mæ-xord-æ	جمع

۸.۲. نفی ماضی نقلی استمراری

برای ساخت فعل نفی در صیغه‌های فعل مثبت به آغاز بخش فعلی تکواژ -næ افزوده می‌شود. در سه جدول زیر صرف فعل‌های ساده رفتن (جدول ۲۶) و کردن (جدول ۲۷) و فعل مرگب غذا خوردن (جدول ۲۸) آمده است.

جدول ۲۶. تصریف ماضی نقلی استمراری منفی از فعل رفتن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef=be-næ-mæ-ræft-æ	et=be-næ-mæ-ræft-æ	om=be-næ-mæ-ræft-æ	مفرد
ʃæ=be-næ-mæ-ræft-æ	tæ=be-næ-mæ-ræft-æ	mæ=be-næ-mæ-ræft-æ	جمع

جدول ۲۷. تصریف ماضی نقلی استمراری منفی از فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef=nae-mæ-cerd-æ	et=nae-mæ-cerd-æ	om=nae-mæ-cerd-æ	مفرد
ʃæ=nae-mæ-cerd-æ	tæ=nae-mæ-cerd-æ	mæ=nae-mæ-cerd-æ	جمع

جدول ۲۸. تصریف ماضی نقلی استمراری منفی از فعل غذا خوردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ef=Gæza be-næ-mæ-xord-æ	et=Gæza be-næ-mæ-xord-æ	om=Gæza be-næ-mæ-xord-æ	مفرد
ʃæ=Gæza benæmæxordæ	tæ=Gæza be-næ-mæ-xord-æ	mæ=Gæza be-næ-mæ-xord-æ	جمع

۹.۲. ماضی بعید

ساختمان ماضی بعید در گویش سه‌قلعه دارای سه بخش است. عامل یا همان ضمیر واژه‌بستی، صفت فعلی گذشته و صیغه سوم شخص مفرد از فعل *bo* «بودن». در جدول‌های ۲۹، ۳۰ و ۳۱ به ترتیب صرف فعل‌های ساده رفتن و کردن و فعل مرکب غذا خوردن ارائه شده است.

جدول ۲۹. تصریف ماضی بعید از فعل رفتن

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
om = be-ræft-æ bo	et = be-ræft-æ bo	ef = be-ræft-æ bo	مفرد
mæ = be-ræft-æ bo	tæ = be-ræft-æ bo	ʃæ = be-ræft-æ bo	جمع

جدول ۳۰. تصریف ماضی بعید از فعل کردن

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
om = cerd-æ bo	et = cerd-æ bo	ef = cerd-æ bo	مفرد
mæ = cerd-æ bo	tæ = cerd-æ bo	ʃæ = cerd-æ bo	جمع

جدول ۳۱. تصریف ماضی بعید از فعل غذا خوردن

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
om = gæzɑ xord-æ bo	et = gæzɑ xord-æ bo	ef = gæzɑ xord-æ bo	مفرد
mæ = gæzɑ xord-æ bo	tæ = gæzɑ xord-æ bo	ʃæ = gæzɑ xord-æ bo	جمع

۱۰.۲. نفی ماضی بعید

برای ساخت فعل نفی ماضی بعید به آغاز صفت فعلی گذشته تکواژ منفی ساز *næ* افزوده می‌شود. صرف سه فعل رفتن و کردن و غذا خوردن در جدول‌های ۳۲، ۳۳ و ۳۴ به ترتیب داده شده است.

جدول ۳۲. تصریف ماضی بعید منفی از فعل رفتن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = be-næ-ræft-æ bo	et = be-næ-ræft-æ bo	om = be-næ-ræft-æ bo	مفرد
ʃæ = be-næ-ræft-æ bo	tæ = be-næ-ræft-æ bo	mæ = be-næ-ræft-æ bo	جمع

جدول ۳۳. تصریف ماضی بعید منفی از فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = næ-cerd-æ bo	et = næ-cerd-æ bo	om = næ-cerd-æ bo	مفرد
ʃæ = næ-cerd-æ bo	tæ = næ-cerd-æ bo	mæ = næ-cerd-æ bo	جمع

جدول ۳۴. تصریف ماضی بعید منفی از فعل غذا خوردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
eʃ = Gæzɑ næ-xord-æ bo	et = Gæzɑ næ-xord-æ bo	om = Gæzɑ næ-xord-æ bo	مفرد
ʃæ Gæzɑ næ-xord-æ bo	tæ = Gæzɑ næ-xord-æ bo	mæ = Gæzɑ næ-xord-æ bo	جمع

۱۱.۲. ماضی التزامی

فعل ماضی التزامی از قواعد صرف فعل ماضی پیروی نمی‌کند و صرف آن مانند هیچ‌یک از دیگر گونه‌های ماضی نیست. در این گونه، از صفت فعلی گذشته در کنار ماده باش- و شناسه‌های خاص آن استفاده می‌شود. می‌توان گفت صفت فعلی گذشته به اضافه صیغه‌های مضارع التزامی از ماده باش- با اندک تغییر در شناسه، ماضی التزامی را می‌سازد و در این صرف جدایی میان فعل ساده و مرگب و لازم و متعدی نیست. در ادامه صرف فعل‌های نشستن (جدول ۳۵) و کردن (جدول ۳۶) و غذا خوردن (جدول ۳۷) آمده است.

جدول ۳۵. تصریف ماضی التزامی از فعل نشستن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ho-nʃæst-æ bæʃ-æ نشسته باشد	ho-nʃæst-æ bæʃ-i نشسته باشی	ho-nʃæst-æ bæʃ-om نشسته باشم	مفرد
ho-nʃæst-æ bæʃ-en نشسته باشند	ho-nʃæst-æ bæʃ-æ نشسته باشید	ho-nʃæst-æ bæʃ-em نشسته باشیم	جمع

جدول ۳۶. تصریف ماضی التزامی از فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
cerd-æ bæʃ-æ کرده باشد	cerd-æ bæʃ-i کرده باشی	cerd-æ bæʃ-om کرده باشم	مفرد
cerd-æ bæʃ-en کرده باشند	cerd-æ bæʃ-æ کرده باشید	cerd-æ bæʃ-em کرده باشیم	جمع

جدول ۳۷. تصریف ماضی التزامی از فعل غذا خوردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
gæzɑ xord-æ bæʃ-æ غذا خورده باشد	gæzɑ xord-æ bæʃ-i غذا خورده باشی	gæzɑ xord-æ bæʃ-om غذا خورده باشم	مفرد
gæzɑ xord-æ bæʃ-en غذا خورده باشند	gæzɑ xord-æ bæʃ-æ غذا خورده باشید	gæzɑ xord-æ bæʃ-em غذا خورده باشیم	جمع

۱۲.۲. نفی ماضی التزامی

گویشوران سه‌قلعه برای ساخت فعل منفی از پیشوند næ بهره می‌برند. این پیشوند – هم در فعل ساده و هم مرکب – به صفت فعلی گذشته در ساختار مثبت افزوده می‌شود.

نمونه‌های منفی فعل‌های نشستن، کردن و غذا خوردن در جدول‌های ۳۸، ۳۹ و ۴۰ آمده است.

جدول ۳۸. تصریف ماضی التزامی منفی از فعل نشستن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
ho-næ-nfæst-æ bæf-æ نشسته باشد	ho-næ-nfæst-æ bæf-i نشسته باشی	ho-næ-nfæst-æ bæf-om نشسته باشم	مفرد
ho-næ-nfæst-æ bæf-en نشسته باشند	ho-næ-nfæst-æ bæf-æ نشسته باشید	ho-næ-nfæst-æ bæf-em نشسته باشیم	جمع

جدول ۳۹. تصریف ماضی التزامی منفی از فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
næ-cerd-æ bæf-æ نکرده باشد	næ-cerd-æ bæf-i نکرده باشی	næ-cerd-æ bæf-om نکرده باشم	مفرد
næ-cerd-æ bæf-en نکرده باشند	næ-cerd-æ bæf-æ نکرده باشید	næ-cerd-æ bæf-em نکرده باشیم	جمع

جدول ۴۰. تصریف ماضی التزامی منفی از فعل غذا خوردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
gæza næ-xord-æ bæf-æ غذا نخورده باشد	gæza næ-xord-æ bæf-i غذا نخورده باشی	gæza næ-xord-æ bæf-om غذا نخورده باشم	مفرد
gæza næ-xord-æ bæf-en غذا نخورده باشند	gæza næ-xord-æ bæf-æ غذا نخورده باشید	gæza næ-xord-æ bæf-em غذا نخورده باشیم	جمع

چنان‌که از نمونه‌های بالا مشخص است شناسه‌هایی که در ساخت ماضی التزامی به‌کار می‌روند به این شرح‌اند (جدول ۴۱):

جدول ۴۱. شناسه‌های ماضی التزامی

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
-om	-i	-æ	مفرد
-em	-æ	-en	جمع

باید توجه داشت که گونه‌ای دیگر از فعل منفی با همین ساختار در گویش سه‌قلعه هست که در آن تکواژ -næ به صیغه‌های فعل باش- می‌چسبد و در نگاه نخست گونه‌ای از فعل نفی ماضی التزامی - برای فعل‌های ساده - به نظر می‌رسد. ولی این نمونه‌ها جمله‌های اسنادی مضارع التزامی از فعل باش- هستند. صرف فعل نشستن در جدول ۴۲ داده می‌شود تا تفاوت آن با نمونه‌ی داده‌شده در جدول ۳۸ سنجیده شود.

جدول ۴۲. تصریف اسنادی ماضی التزامی از ماده‌ی فعلی باش-

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
ho-nfæst-æ næ-bæf-om	ho-nfæst-æ næ-bæf-i	ho-nfæst-æ næ-bæf-æ	مفرد
نشسته نباشم	نشسته نباشی	نشسته نباشد	
ho-nfæst-æ næ-bæf-em	ho-nfæst-æ næ-bæf-æ	ho-nfæst-æ næ-bæf-en	جمع
نشسته باشیم	نشسته باشید	نشسته نباشند	

ساختار جدول ۴۲ اگر در جمله‌ای دیده شود یک ساختار اسنادی است که در آن صفت فعلی نقش نحوی صفت اسنادی را دارد و بخشی از فعل نیست و میان آن با جمله‌ای که در آن به جای صفت فعلی یک صفت غیرفعلی به‌کار رفته است تفاوت نیست و می‌توان این صفت فعلی را با هر صفت یا اسم دیگری جایگزین کرد. برای نمونه دو جمله‌ی مثال ۹ ارائه می‌شود.

مثال ۹:

ægær ho-nfæst-æ næ-bæf-om.

اگر نشسته نباشم.

ægær naxof næ-bæf-om.

اگر ناخوش نباشم.

۳. فعل در فارسی میانه

در فارسی میانه فعل دارای دو زمان (ماضی و مضارع)، دو شمار و سه شخص است. فعل مضارع دارای انواع اخباری، التزامی، تمنایی و شرطی است که دلالت مفهوم آینده نیز به وسیله یکی از گونه‌های التزامی یا شرطی بازنمایی می‌شود. فعل ماضی در نوشته‌هایی که در دسترس است دارای انواع ساده، نقلی، و بعید است که صرف آنها برای فعل‌های لازم و متعدی متفاوت است. ساخت زبان پهلوی یک ساخت دوپاره^۱ است یعنی دستگاه فعلی آن برای مضارع فاعلی - مفعولی^۲ و برای ماضی کنایی - مطلق^۳ است.

۱.۳. ماضی ساده

برای درک تفاوت بین صرف ماضی فعل‌های لازم و متعدی دو نمونه صرف از فعل لازم رفتن و فعل متعدی دیدن ارائه می‌شود. همچنین صرف ماضی فعل کردن نیز ذکر می‌شود (مثال‌های صرف فعل‌های فارسی میانه همه برگرفته از آموزگار و تفضلی (۱۳۸۲) است). برخی از صورت‌های صرفی را نیز نگارنده در جدول زیر افزوده است. صرف فعل لازم رفتن:

جدول ۴۳. تصریف ماضی ساده فعل رفتن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
raft	raft h-ē	raft h-ēm	مفرد
raft h-ēnd	raft h-ēd	raft h-ēm	جمع

1. split

2. nominative-accusative

3. ergative-absolutive

صرف فعل متعدی دیدن:

جدول ۴۴. تصریف ماضی ساده فعل دیدن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
awē dīd u = š dīd	tu dīd u = t dīd	man dīd u = m dīd	مفرد
awēšān dīd u = šān dīd	ašmā dīd u = tān dīd	amā dīd u = mān dīd	جمع

صرف فعل متعدی کردن:

جدول ۴۵. تصریف ماضی ساده فعل کردن

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
awēkard u = škard	tu kard u = t kard	man kard u = m kard	مفرد
awēšān kard u = šān kard	ašmā kard u = tān kard	amā kard u = mān kard	جمع

چنان‌که دیده می‌شود فعل ماضی متعدی با استفاده از عامل، ضمیری پی‌بستی یا غیرپی‌بستی در حالت غیرصریح، و ماده ماضی بدون هیچ شناسه یا عنصر صرفی دیگری ساخته شده است. اگر مفعول صریح در جمله بیاید صیغه‌هایی از فعل بودن h- به دنبال ماده ماضی صرف می‌شوند که مطابقت آنها با مفعول صریح است و نه با عامل (یا فاعل). در مثال ۱۰ چند نمونه از این ساختار با جمله «او... را دید» با مفعول‌های متفاوت ارائه شده است.

مثال ۱۰:

- u=š man dīd h-ēm. او مرا دید.
- u=š tō dīd h-ē . او تو را دید.
- u=š xosraw dīd. او خسرو را دید.
- u=š amā dīd h-ēm. او ما را دید.
- u=š ašmā dīd h-ēd. او شما را دید.

u=š ōyšān dīd h-ēnd. او آنها را دید.

برای روشن‌تر شدن این نوع ساختار در نمونه‌های مثال ۱۱ مفعول ثابت است و فاعل تغییر می‌کند.
 مثال ۱۱:

u=m ōyšān dīd h-ēnd. من آنها را دیدم.
 u=t ōyšān dīd h-ēnd. تو آنها را دیدی.
 u=š ōyšān dīd h-ēnd. او آنها را دید.
 u=mān ōyšān dīd h-ēnd. ما آنها را دیدیم.
 u=tān ōyšān dīd h-ēnd. شما آنها را دیدید.
 u=šān ōyšān dīd h-ēnd. ایشان آنها را دیدند.

بدین ترتیب ضمایر واژه‌بستی در فارسی میانه به شرح جدول ۲۶ هستند. این ضمایر در فارسی میانه در هیچ موقعیتی کاربرد مستقیم^۱ ندارند یعنی همواره نقش غیرنهادی دارند.

جدول ۴۶. ضمیرهای واژه‌بستی زبان فارسی میانه

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
-š	-t	-m	مفرد
-šān	-tān	-mān	جمع

۲.۳. ماضی نقلی

در فعل ماضی نقلی نیز مانند ماضی ساده صرف فعل‌های لازم و متعدی یکسان نیست. فعل ماضی نقلی لازم از ماده ماضی و صیغه‌های مضارع اخباری فعل -est «ایستادن» ساخته می‌شود.

مثال ۱۲:

raft est-ēm. رفته‌ام
 raft est-ēh. رفته‌ای

1. direct

raft est-ēd.	رفته است
raft est-ēm.	رفته ایم
raft est-ēd.	رفته اید
raft est-ēnd.	رفته اند

فعل ماضی نقلی متعدی از عامل و ماده ماضی و صیغه‌های فعل est- ساخته می‌شود که مطابقت فعل est- با مفعول صریح است و نه عامل. در مثال ۱۳ جمله «او... را دیده است» با مفعول‌های گوناگون ارائه می‌شود.

مثال ۱۳:

u=š man dīd est-ēm.	او مرا دیده است.
u=š tō dīd est-ē.	او تو را دیده است.
u=š xosraw dīd est-ēd.	او خسرو را دیده است.
u=š amā dīd est-ēm.	او ما را دیده است.
u=š ašmā dīd est-ēd.	او شما را دیده است.
u=š ōyšān dīd est-ēnd.	او آنها را دیده است.

برای روشن‌تر شدن این نوع ساختار در شواهد مثال ۱۴ مفعول ثابت است و فاعل تغییر

می‌کند.

مثال ۱۴:

u=m ōyšān dīd est-ēnd.	من آنها را دیده‌ام.
u=t ōyšān dīd est-ēnd.	تو آنها را دیده‌ای.
u=š ōyšān dīd est-ēnd.	او آنها را دیده است.
u=mān ōyšān dīd est-ēnd.	ما آنها را دیده ایم.
u=tān ōyšān dīd est-ēnd.	شما آنها را دیده اید.
u=šān ōyšān dīd est-ēnd.	ایشان آنها را دیده اند.

۳.۳. ماضی بعید

فعل ماضی بعید از افزودن صیغه‌های ماضی ساده فعل h-estād «ایستادن» به ماده ماضی

ساخته می‌شود.

مثال ۱۵:

raft estād h-ēm.	رفته بودم
raft estād h-ē.	رفته بودی
raft estād.	رفته بود
raft estād h-ēm.	رفته بودیم
raft estād h-ēd.	رفته بودید
raft estād h-ēnd.	رفته بودند

در ماضی بعید متعدی عامل در آغاز جمله می‌آید و صیغه‌های ماضی ساده فعل ایستادن در شخص و شمار با مفعول صریح مطابقت می‌کنند. در نمونه‌های مثال ۱۶ جمله «او ... را دیده بود» با مفعول‌های گوناگون داده شده است.

مثال ۱۶:

u=š man dīd estād h-ēm.	او مرا دیده بود.
u=š tō dīd estād h-ē.	او تو را دیده بود.
u=š xosraw dīd estād.	او خسرو را دیده بود.
u=š amā dīd estād h-ēm.	او ما را دیده بود.
u=š ašmā dīd estād h-ēd.	او شما را دیده بود.
u=š ōyšān dīd estād h-ēnd.	او آنها را دیده بود.

برای روشن‌تر شدن این ساختار در نمونه‌های مثال ۱۷ مفعول ثابت است و فاعل تغییر می‌کند.

مثال ۱۷:

u=m ōyšān dīd estād h-ēnd.	من آنها را دیده بودم.
u=t ōyšān dīd estād h-ēnd.	تو آنها را دیده بودی.
u=š ōyšān dīd estād h-ēnd.	او آنها را دیده بود.
u=mān ōyšān dīd estād h-ēnd.	ما آنها را دیده بودیم.
u=tān ōyšān dīd estād h-ēnd.	شما آنها را دیده بودید.
u=šān ōyšān dīd estād h-ēnd.	ایشان آنها را دیده بودند.

۴. نتیجه‌گیری

از بررسی دقیق فعل‌های ماضی در گویش سه‌قلعه مشخص شد که ساختار ماضی التزامی با دیگر انواع ماضی در این گویش متفاوت است. به عقیده نگارنده، این ساختار به احتمال زیاد حاصل تماس بین فارسی معیار و گویش مورد نظر است و بر اثر این تماس از زبان رسمی الگوبرداری شده است. همچنین وجود چنین ساختی که صیغه‌های متفاوت فعل را با استفاده از شناسه می‌سازد، می‌تواند نشانگر حرکت و تمایل این گویش به سوی تغییر ساخت فعل‌های ماضی و یک‌دست شدن نظام فعلی آن باشد. برای بررسی درستی چنین استنتاجی باید منتظر ماند و رفتار زبان را در طول زمان دید. نکته دیگر در مورد این گویش ساختار خاص فعل‌های ماضی آن است که امروزه نمونه آن در هیچ‌یک از گویش‌های منطقه دیده نمی‌شود و از این لحاظ از سه‌قلعه یک جزیره گویشی ساخته است. از دید این نگارنده این ساخت باید نشانه‌ای بازمانده از وجود ساخت کنایی در این گویش (و شاید دیگر گویش‌های منطقه) باشد که به علت واقع شدن سه‌قلعه در حاشیه کویر، دورتر بودن از مراکز و در نتیجه ارتباط کمتر با دیگر گونه‌های زبانی و تأثیرپذیری کمتر و رفتار محافظه‌کارانه این گویش، دیرتر از دیگر نقاط از میان رفته و همچنان رواج دارد. با بررسی و مقایسه فعل‌های ماضی در گویش سه‌قلعه و زبان فارسی میانه می‌توان دریافت که از لحاظ ساختار دستوری و صورت‌های واژگانی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد که به شرح زیر است.

۱.۴. شباهت‌ها

الف) آنچه در نگاه نخست توجه را به خود جلب می‌کند شباهت بسیار زیاد ضمیرهای واژه‌بستی مورد استفاده در صرف فعل ماضی در هر دو زبان است. در انواع ضمیرهای مفرد تفاوتی بین دو زبان نیست و در انواع جمع هم چنین استنباط می‌شود که ضمائر در گویش سه‌قلعه شکل کوتاه‌شده ضمائر جمع فارسی میانه است. همچنین به نظر می‌رسد واکه‌ای که در آغاز هر یک از ضمیرهای مفرد گویش سه‌قلعه قرار دارد بازمانده همان صورت چسبان -u (و) در فارسی میانه است که به مرور زمان به جزئی از ضمیر تبدیل شده و افزوده بودن آن از

ذهن گویشوران پاک شده است. دلیل به‌جا ماندن این واژه در ضمیرهای مفرد و نبودن آن در ضمیرهای جمع این است که وجود این واژه به تلفظ این ضمائر کمک می‌کند و تلفظ ضمائر مفرد بدون آن در عمل شدنی نیست چراکه ساختمان هرکدام تنها از یک همخوان تشکیل شده است.

ب) در ساخت فعل ماضی گویش سه‌قلعه مانند فعل ماضی متعدی فارسی میانه، از عامل و ماده ماضی استفاده می‌شود و سازه‌ای مانند شناسه وجود ندارد تا شخص و شمار را بازنمایی کند. در این هردو مورد یادشده بازنمایی شخص و شمار بر عهده عامل فعل است چنان‌که اگر عامل از جمله حذف شود دریافتن شخص و شمار انجام‌دهنده فعل ممکن نخواهد بود.

۲.۴. تفاوت‌ها

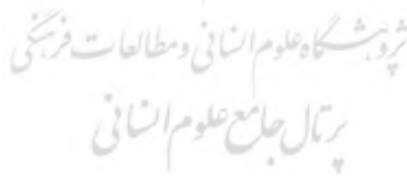
الف) در فارسی میانه ساخت کُنایی وجود دارد، درحالی‌که در گویش سه‌قلعه شاهدهی از چنین ساختی دیده نمی‌شود. به‌دلیل وجود چنین تفاوتی است که در گویش سه‌قلعه مطابقت فعل‌های ماضی چه لازم و چه متعدی به وسیله عامل نشان داده می‌شود که در بیشتر موارد یک ضمیر واژه‌بستی است ولی در زبان پهلوی عامل در فعل‌های ماضی متعدی وجود دارد ولی مطابقت فعل‌های ماضی لازم با شناسه بازنمایی می‌شود که خود در صرف فعل کمکی مشهود است.

ب) در فارسی میانه به‌علت وجود ساخت کُنایی، مطابقت فعل ماضی متعدی با مفعول است و نه عامل، یعنی درواقع فاعل منطقی جمله همان عامل و مفعول منطقی جمله فاعل دستوری است که فعل با آن مطابقت می‌کند، درحالی‌که در گویش سه‌قلعه چنین نوعی از مطابقت دیده نمی‌شود و همواره عامل است که شخص و شمار فعل را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر در این زبان فاعل منطقی و دستوری و مفعول منطقی و دستوری بر هم منطبق است. این ویژگی یک نتیجه ناگزیر دیگر نیز دارد که این گویش در ساختار ماضی نمی‌تواند ضمیرانداز باشد.

ج) در فارسی میانه روش ساخت فعل ماضی لازم و متعدی متفاوت است، ولی در گویش سه‌قلعه روش ساخت فعل ماضی لازم و متعدی یکسان است و نشان می‌دهد که صرف فعل متعدی به فعل‌های لازم نیز تعمیم یافته و امروزه هردو به یک صورت ساخته می‌شوند.^۱

منابع

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، ۱۳۸۲، زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن، تهران.
رضایی، جمال، ۲۵۳۵، «ساختمان و صرف فعل ماضی در گویش کهن هرات و مقایسه آن با ساختمان و صرف فعل ماضی در گویش کنونی بیرجند»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۲۳، ۴، ص ۹۹-۱۱۰.
_____، ۱۳۷۷، بررسی گویش بیرجند: واج‌شناسی و دستور، تهران.
زمردیان، رضا، ۱۳۶۸، زبان‌شناسی عملی: بررسی گویش قاین، مشهد.



۱. چنین پدیده‌ای پیش‌تر در گویش قدیم شهر بیرجند نیز دیده شده است. امروزه دیگر این گویش چندان مرسوم نیست. برای اطلاعات بیشتر، نک: رضایی ۱۳۷۷: ۲۵۵، پانویس ۱. همچنین در مورد پدیده مشابه در گویش کهن هرات، نک: رضایی (۲۵۳۵).



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی